

درسهای
الهیات شفا

جلد اول

مفتخر شیخ استاد مطهری
رضوان الله علیه

الهیات شفا و شرح آن

به بهانه انتشار درسهای استاد مطهری - ره -

درباره الهیات شفا

محسن غرویان

فلسفه، پیرو ارسطوست و چیز تازه ای نیاورده است ولی انصافاً مسائل را پخته تر گفته و گاهی هم با معارف اسلامی و تعلیمات دینی تطبیق کرده است. اهمیت بوعلی، بیشتر از نظر کثرت تصانیف و کلاسیک کردن فلسفه و طب است. چه او فلسفه را تحت نظم صحیحی درآورد و در نهایت سادگی در دسترس عموم گذاشت. برای کلاسهای مختلف و طبقات گوناگون محصلین کتاب تصنیف کرد. برای هر یک از مبتدی و متوسط و منتهی در هر یک از فنون از آثار شیخ می توان کتاب انتخاب کرد. برای هر یک از طبقات تندفهم و کندفهم و متوسط کتاب دارد. از همین جهت است که آثار او بیش از همه در تعلیم و تعلم مورد استفاده قرار گرفت و از هزار سال پیش تاکنون از رده آموزشی، خارج نشده و در مدارس جزو برنامه است. بوعلی در طب، جالینوس ایران و عرب است. در فلسفه، آثارش برای طبقات بعد جای کتابهای ارسطو را گرفته است. کتابهای شیخ، از اسناد

اهمیت ابن سینا

در مشرق زمین، فلسفه یونانی هیچ گاه مفسری با عمق و دقت ابن سینا نداشته است. ابن سینا، فلسفه ارسطو را با آراء مفسران اسکندرانی او و فلسفه نو افلاطونی تلفیق کرد و با نبوغ خاص خود، آنها را با نظر یکتاپرستی اسلام آمیخت و به این طریق، در فلسفه مشایب مباحثی را وارد کرد که در اصل یونانی آن سابقه نداشت. ابن سینا با تمام احترامی که برای فلسفه یونانی قائل بود همواره سعی داشت تا افکار فلسفی خود را با اصول اسلامی تطبیق دهد. از این رو، تا آنجا که برایش امکان پذیر بود برای نزدیک کردن فلسفه یونانی - که به عقیده او از چراغ نبوت نورانی بود - به دین اسلام، کوشید. بر اثر این کوشش است که فلسفه ابن سینا پخته ترین و کاملترین بیان فلسفه مشایب در عالم اسلام به شمار می آید.^۱ برخی گفته اند: اهمیت شیخ، در فلسفه، طب و دیگر علوم به خاطر ابتکارات او نیست؛ زیرا شیخ در

و احترام بوده، بلکه امروز هم چنین منزلتی را داراست و به صورت طبیب و حکیمی صاحب نظر، زنده است.^۲

کتاب شفا

این سینا در همه علوم زمان خود - بویژه در معقولات - کتاب یا رساله، تألیف کرده است، به طوری که از وی بیش از صد جلد کتاب باقی مانده است که از مهمترین آنها کتاب «الشفاء» و «قانون» در طب است.

کتاب شفا را در ۱۸ جزء در ابواب علوم و فلسفه یعنی: منطق، ریاضیات، طبیعیات و الهیات پرداخته است.^۴

دو جلد طبیعیات و الهیات شفا، در ایران چاپ سنگی شده است. قسمت منطق شفا، دقیق ترین و مفصل ترین کتابهای منطق اسلامی است که تعلیم و تعلم آن، همواره مورد توجه قرار گرفته و می گیرد. قسمت ریاضی این کتاب، شامل اصول هندسه و حساب (ارشماتیکی) و موسیقی و علم هیئت است.

در هندسه و نجوم و حساب و موسیقی شفا، شیخ برخی تصرفات تازه در عقاید متقدمان انجام داده و مسائلی تازه بر مباحث گذشتگان بویژه بر «المجسطی» افزوده است.

طبیعیات آن، حاوی بحث در «السماع الطبیعی» و «السماء و العالم» و «الکون و الفساد» و «افعال و انفعالات» و «معادن و آثار علویه» و «نفس» و «نبات» و «حیوان» است و در قسمت «نبات» شیخ اقوال ارسطو را نقل و شرح و تأیید کرده است.

الهیات شفا

این قسمت کتاب، شامل ده مقاله است که درباره این موضوعات بحث می کند: اقسام موجودات، جوهر و عرض، ماده و صورت، وحدت و کثرت، تقدم و تأخر،

فلسفه به شمار می رود. دانشمندان بر آنها شروح نوشته اند و در اختلافات، به اقوال او تمسک و استدلال کرده اند. تقریباً ده قرن است که فلاسفه، سرگرم گفته های اویند. ابن خلدون می گوید: «و تجد الماهر منهم (فلاسفه) عاکفاً علی کتاب الشفا و الاشارات و النجاة» (المقدمة، طبع پاریس، ج ۳، ص ۱۱۷).

بوعلی، بزرگترین فیلسوف اسلامی است، چه اگر او را از تاریخ فلسفه، برداریم نه تنها جای خالی می ماند بلکه بی مبالغه باید گفت فلسفه را از معارف اسلامی برداشته ایم، زیرا اگر بوعلی نبود، فیلسوفان بزرگ دیگری هم که از شاگردان و پیروان مکتب اویند، همگی حذف خواهند شد. اگر بوعلی نبود، خواجه نصیر و شرح اشارات؛ میرداماد و قیسات؛ و ملا صدرا و اسفار و صدها فیلسوف و کتاب فلسفه دیگر هم نبود. بی گزاف اگر این فیلسوف ایرانی نبود، شرق کسی را نداشت که به رخ فلاسفه غرب بکشد.^۲

ابن سینا، نقش فرشته نگهبان یا ملک حافظ را در علم و ادب اسلامی داشته و هر وقت و هر جا که پیشرفتی در یکی از شاخه های علم و فلسفه در جهان اسلامی پیدا شده، اثری از وی در آن پیشرفت دیده می شود. وی بر هر یک از چهره های برجسته قرن پس از خود، تأثیر گذاشته است. میراث سینایی از نسلی به نسلی دیگر انتقال یافت تا به دوره سلاطین صفوی رسید و در این دوره کتابهای چندی توسط فیلسوفانی چون صدرالدین دشتکی و غیاث الدین منصور شیرازی و جلال الدین دوانی تألیف شد که در همه آنها اثر اندیشه ابن سینا دیده می شود.

مطالعه ابن سینا فقط جنبه تاریخی ندارد؛ و او نه تنها با وارد شدن در جرگه قهرمانان فرهنگی و داستانهای توده ای به عالی ترین درجه افتخار رسیده و به عنوان بزرگترین فیلسوف و دانشمند اسلام در قرنهای متوالی مورد تکریم

قدم و حدوث، نوع و جنس و فصل و اقسام علل آنها، مبدأ اول و کیفیت صدور اشیاء، مبدأ و معاد، و لزوم اطاعت از پیامبر و امام. که در ضمن بحثها، سیاست و تدبیر منزل و اخلاق هم مورد تحقیق قرار می گیرد. و چون کتاب بسیار دقیقی در حکمت و فلسفه است، از زمان شیخ تا به امروز مورد مطالعه و درس و تدریس قرار گرفته است. قسمت طبیعیات و الهیات آن، در تهران به سال ۱۳۰۳ چاپ شده است.

این کتاب، میان سالهای ۱۹۰۷ و ۱۹۰۹ به وسیله «هورتن (Horten)» به آلمانی ترجمه شد. بعضی قسمتهای آن نیز به انگلیسی و فرانسه ترجمه شده است. این کتاب را «ابوعبدالله محمد بن الادیب التجانی» صاحب «تحفة العروس» شرح کرده و «عبدالحمید بن علی الخسروشاهی» (درگذشته ۶۵۲ق) آن را مختصر کرده است.^۵

برخی، کتاب شفا را به عنوان شاهکار مشایی ابن سینا دانسته و آن را مفصلترین دایرة المعارف علمی می شمارند که در میان همه زبانهای عالم، به دست یک نفر نوشته شده است.^۶ شگفت آنکه گفته اند وی بخش طبیعیات و الهیات شفا را تنها در مدت بیست روز در اصفهان نوشته است.^۷

روش نویسندگی ابن سینا

قلم شیخ - ره - در الهیات شفا بسیار سنگین است و عبارتهای آن بسیار مغلق و پیچیده است. به طور کلی روش نویسندگی عربی ابن سینا در نخستین آثارش دشوار است و یک دست نیست؛ تنها در مدت اقامت دراز در اصفهان بود که چون نوشته های وی مورد انتقاد کارشناسان در ادبیات قرار گرفت، به تحصیل زبان ادبی عربی پرداخت و روش نویسندگی او صیقل خورد و کامل شد. کتابهایی که پس از این دوره از زندگی تألیف کرده

است - مخصوصاً «الاشارات و التنبیها» - گواه بر این تغییر است.^۸

عالمان متعددی، شفا را شرح و یا تخلص کرده اند. برخی فقط درباره الهیات آن و کسانی، در قسمتهای دیگر آن، کتابها نگاشته اند. محقق نستوه، استاد محمدتقی دانش پژوه در دیباچه ای که بر کتاب «نجات» شیخ الریس - ره - نگاشته اند نام ۲۸ تن از دانشمندانی را که درباره شفا کار کرده اند، آورده است:

۱ - ابن زبیل: تلخیص شفا

۲ - ابوالعباس فضل لوکری بروی: «بیان الحق بضمآن

الصدق» که گزیده ای است از شفا و از نگارشهای فارابی

۳ - شمس الدین ابومحمد عبدالحمید بن معین

خسروشاهی تبریزی: گزیده ای از شفا

۴ - حسن بن مطهر علامه حلی: کشف الخفاء فی

شرح الشفا

۵ - غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی: مغلفات

الهیات الشفاء

۶ - شاه طاهر کاشانی دکنی شاگرد محقق

خفزی: حاشیه الشفاء

۷ - میرزا جان حبیب الله باغنوی شیرازی: حاشیه بر

جواهر و اعراض شفا

۸ - شاه قوام الدین حمزه شیرازی: حاشیه الهی شفا

۹ - میرزا ابراهیم همدانی: حاشیه الشفاء

۱۰ - محمدباقر داماد استرآبادی: حاشیه الشفاء

۱۱ - احمد بن زین العابدین عاملی اصفهانی: مفتاح

الشفاء و العروة الوثقی فی شرح الهیات کتاب الشفاء

۱۲ - صدرالدین محمد شیرازی: شرح و تعلیقه بر

شفا در دو جزء جداگانه، یکی بر طبیعی و دیگری بر

الهی

۱۳ - عبدالغفار گیلانی: حاشیه بر شفا

۱۴ - میرزا ابراهیم شیرازی: حاشیه الشفا

دشواری ندارد و اینکه گفته اند فلسفه، مشکلترین دانشگاه است، سخنی نابجاست.

در گذشته وسایل و ابزار لازم برای ضبط گفتار استادان و اندیشمندان وجود نداشت، ولی از نعمتهای زمان ما دستگاههای ضبط صدا و تصویر است. شکی نیست که استادان در هنگام القای شفاهی درس، دستشان بازتر است و توضیح و شرح کافی در بیان مطالب می آورند ولی در کتابت کمی مقتصدانه عمل می کنند. از این رو امتیاز کتابهایی که متن گفتار استادان و مؤلفان محسوب می شود در این است که دانشجویان و خوانندگان راحت تر مطالب را می گیرند و فهم می کنند. این امتیاز در پاره ای آثار مرحوم مطهری - ره - مثل «شرح مبسوط منظومه و تا حدودی در کتاب حاضر هویدا است. درس الهیات شفا، پاره ای از درسهای استاد است که ایشان، نخست در یکی از حجره های مدرسه مروی تهران و سپس در منزل القاء کرده اند. آنچه واقعاً جای تأسف است اینکه این درسها از ابتدا ضبط نشده و اینک از مقاله چهارم - آن هم به صورت ناقص - در اختیار علاقمندان قرار می گیرد.

در چاپ نخست این کتاب، نکاتی چند به نظر می رسد که ذیلاً بدانها اشاره می کنیم:

الف) مقاله چهارم الهیات شفا، مشتمل بر سه فصل است: فی المتقدم و المتأخر و فی الحدوث، فی القوة و الفعل و القدرة و العجز و اثبات المادة لكل متکون، فی التام و الناقص و مافوق التمام و فی الكل و فی الجميع. اما آنچه در کتاب حاضر، تحت عنوان مقاله چهارم آمده فقط شامل فصل سوم است، آن هم بسیار مختصر و ناقص. ناشر محترم، در یادداشت خود آورده است که مطالب مقاله چهارم و پنجم، متن خلاصه برداری نسبتاً دقیق مرحوم شهید دکتر قندی - ره - است. اما به نظر می رسد که در مقاله چهارم، یا اصل درس و بیان استاد در فصل سوم

- ۱۵ - محقق محمدباقر سبزواری: حاشیه بر شفا
- ۱۶ - میرمحمد معصوم قزوینی: حاشیه بر الهی شفا
- ۱۷ - آفاحسین خوانساری: حاشیه الشفاء
- ۱۸ - مولی اولیاء: حاشیه بر شفا
- ۱۹ - مولی سلیمان: حاشیه بر شفا
- ۲۰ - میرزا محمد بن حسن شیروانی: حاشیه الشفا
- ۲۱ - جمال الدین محمد خوانساری: حاشیه بر

طبیعیات شفا

- ۲۲ - میرزا عبدالله افندی تبریزی اصفهانی: حاشیه بر شفا
- ۲۳ - بهاءالدین محمد اصفهانی فاضل هندی: عون اخوان الصفا فی تلخیص الشفا (علی فهم کتاب الشفا)
- ۲۴ - قوام الدین محمد سیفی قزوینی: حاشیه الشفاء
- ۲۵ - محمدعلی حزین اصفهانی: حاشیه الشفاء
- ۲۶ - مهدی بن ابی ذر نراقی کاشانی: شرح الشفاء
- ۲۷ - میرزا ابوالحسن جلوۀزواری اصفهانی تهرانی: حاشیه بر شفاء

- ۲۸ - سید عبدالعظیم لنجانی اصفهانی: نورالعرفاء فی شرح الهیات الشفاء^۱

در پیشگفتار آقای دکتر مهدی محقق بر شرح الهیات شفا به نقل از ملا مهدی نراقی آمده است که: این رشد نیز کتاب به نام «فی الفحص عن مسائل وقعت فی العلم الالهی فی کتاب الشفاء لابن سینا» نوشته است.^۱

درسهای الهیات شفا از استاد مطهری

کسانی که آثار فلسفی می خوانند و با کتابهای استاد شهید مطهری - رضوان الله علیه - سر و کار دارند، اذعان دارند که آن فیلسوف گرانقدر، در بیان فلسفه اسلامی و تقریر مطالب، حقاً استادی هنرمند بود و مسائل پیچیده فلسفی را آن چنان راحت بیان می کرد که شاگردان احساس می کردند فلسفه خواندن و فلسفه فهمیدن هرگز

است.

حاصل آنکه مطالب این کتاب از صفحه ۱۴۵ تا به آخر - به استثناء دو فصل ۱۳ و ۱۴ از طبیعیات - را می توان به عنوان شرح استاد - ره - بر الهیات شفا، تلقی کرد ولی آنچه را درباره دو فصل ۴ و ۵ آمده است، اگر یادداشتهایی پراکنده از دروس استاد بدانیم، بی جا نگفته ایم.

بیجاست در اینجا از تلاشهای ناشران آثار استاد شهید مرتضی مطهری - ره - تشکر کنیم و تقاضا کنیم که افکار و اندیشه ها و مکتوبات آن حکیم اندیشمند را ناب و خالص در دسترس علاقمندان این مرز و بوم قرار دهند.

پانوشتها:

- ۱ - هنری توماس، بزرگان فلسفه، ترجمه فریدون بدره ای.
- ۲ - دانشنامه علایی، تصحیح و تعلیق احمد خراسانی، مقدمه.
- ۳ - سید حسین نصر، سه حکیم مسلمان، ترجمه احمد آرام (فصل ابن سینا).
- ۴ - علی اصغر حلبی، تاریخ فلاسفه ایرانی، به نقل از آداب اللغة العربیه، جرجی زیدان، ج ۲، ص ۲۳۷.
- ۵ - قبلی به نقل از کشف الظنون، حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۶۴؛ طبقات الاطباء ابن ابی اصیبعه، ص ۶ - ۴۴۵، چاپ بیروت؛ نیز ر. ک. دیباجه دانشنامه علایی/صفحه (لب): ایضاً ر. ک. دیباجه نجات، محمد تقی دانش پژوه، ص ۹۴.
- ۶ - سه حکیم مسلمان، ص ۲۶.
- ۷ - دیباجه دانشنامه علایی ص (له).
- ۸ - سه حکیم مسلمان، ۲۶.
- ۹ - النجاة من الغرق فی بحر الضلالات، ابن سینا، با ویرایش و دیباجه محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران ۷۵ - ۷۸.
- ۱۰ - شرح الالهیات من کتاب الشفاء، مهدی بن ابی ذرالنراقی، به اهتمام دکتر مهدی محقق، تهران، ۱۳۶۵، ص سیزده.

کوتاه و گذرا بوده و یا خلاصه برداری به صورت ناقص و غیر دقیق انجام گرفته است.

(ب) مقاله پنجم، مشتمل بر ۹ فصل است و در کتاب حاضر همه عناوین ۹ فصل مذکور، مطرح شده است، اما توضیحات در واقع یادداشتهای پراکنده و مختصر خلاصه نویس شهید - ره - است، نه بیانات کامل استاد - ره. از این رو گاه، کمبودهای روشنی در نقل مطالب دیده می شود؛ مثلاً در صفحه ۴۲ آمده است: «مقولات ده گانه کامل عبارتند از: جوهر، کم، کیف، این و... که خود جوهر به جوهر عقلانی، جوهر نفسانی و جوهر جسمانی منسحب می شود». می دانیم که جوهر به پنج قسم تقسیم می شود و نه به سه قسم. گویا نویسنده جزوه از ماده و صورت فاکتور گرفته و به جای اینکه با ذکر سه نقطه (...) به این دو قسم هم اشاره ای داشته باشد، طوری نگاشته است که خواننده می پندارد اقسام جوهر سه تا است.

مخفی نماند که ناشر محترم در پاورقی صفحه ۴۱ تذکر داده اند که چون مباحث این قسمت از اینجا تا صفحه ۱۴۵ به صورت یادداشت برداری از مباحث استاد بوده است، به نحو اجمال و اختصار می باشد.

(ج) از صفحه ۱۴۵ تا ۱۵۸ کتاب، گویا متن گفتار استاد است و لذا واضح و رساست. ناشر محترم، ترجمه مرحوم فروغی از فصل ۱۴ و ۱۳ از فن اول کتاب طبیعیات شفا را نیز در صفحات ۱۵۹ - ۱۶۸ و ۱۹۵ - ۲۰۴ کتاب حاضر ضمیمه کرده اند تا مطالب استاد، تتمیم و تکمیل گردد.

(د) مقاله هفتم، مشتمل بر سه فصل است: فصل اول در وحدت و کثرت و اقسام تقابل است. فصل دوم و سوم، عمدتاً درباره نظریه «مثل» و نیز قول فیثاغوریان در باب تألیف اشیاء از عدد است. استاد مطهری - ره - به تفصیلی در خور درباره این سه فصل بحث کرده اند و در موارد متعددی، متن عربی شفا نیز در ضمن شرح آمده